



به راستی پویایی و جوپایی و به‌روز بودن
دکتر رضا داوری اردکانی، در آستانه هشتاد و هفت سالگی
شگفت‌آور و ریشک‌برانگیز است

گفت وگو هنوز به صورت رسمی شروع نشده و حرف‌های خودمانی مطرح می‌شود. به گرمی از ما استقبال کرده، امری که از اساتیدی در سن و سال او، انتظار نمی‌رود. درباره وضعیت روزگار می‌پرسیم و مثل همه صحبت‌های این روزها، بحث به کرونا کشیده می‌شود. درباره کرونا بسیاری از اهل نظر ایرانی به صورت سخنرانی یا گفت وگو، مطالبی را بیان کرده‌اند، اما در میان اندیشمندان ترانز اول ایرانی، شاید تنها کسی است که به صورت مستقل و مکتوب متنی شسته رفته و مفصل در این باره نوشته و در آن کوشیده، پیامدها و عواقب اپیدمی کرونا و پیامدهای آن را در یک دستگاہ فکری مشخص تبیین کند، نوشتاری که حتی اگر با رویکرد فکری اش هم موافق نباشیم، باید قلم شیوا و روان گویایش را تحسین کرد. به راستی پویایی و جوپایی و به‌روز بودن دکتر رضا داوری اردکانی، در آستانه هشتاد و هفت سالگی، شگفت‌آور و ریشک‌برانگیز است. آخرین مطالب و اظهارنظرهای اندیشمندان جهانی درباره کرونا را خوانده و با آنها آشناست، از ژیرک و آگامین گرفته تا بديو و دیگران، همه را با جزئیات دنبال کرده و می‌داند و درباره شان نظر دارد. حتی با دیدگاه‌های بیونگ-چول هال، فیلسوف معاصر کره ای در این زمینه آشناست، اندیشمندی که با عرض پوزیش و شرمندگی، به عنوان روزنامه‌نگار اندیشه، تنها اسمش را شنیده بودم و زمانی که او اشاره می‌کند، می‌گویم به اسمش در مطلبی از ژیرک برخورده‌ام.

دکتر داوری توضیح می‌دهد: >> ژیرک از آن جهت به هال نزدیک است که هر دو مارکسیست هستند، اما مارکسیست‌های عجیبی هستند. هال مارکسیستی است که ضدکمونیست شدید است، هال مارکسیست هیدگري است، اما ژیرک مارکسیست ضدهیدگر است.<< به باور او کرونا واقعه مهمی است و تاکید

می‌کند: << ما اصلاً ملتفت قضیه نیستیم! >> در بحث از همان کرونا، مباحثی را مطرح می‌کند که هر یک ارزش تحقیقات و تاملات فراوان دارد. مثلاً در بحث از پیامدهای کرونا، می‌گوید: << من وجود انسان را سه بخش می‌کنم: خودآگاه و ناخودآگاه و چیزی میان این دو. سنت و فرهنگ در خودآگاه ما تحقق یافته است، ما در خودآگاه مسلمان هستیم، بدون اینکه تظاهر داشته باشیم، اما این بخش کوچکی از زندگی ما است، دیگری ناخودآگاه است که به ما چیزی را یاد نمی‌دهد و حتی << بدان و عمل کن >> نیست، بلکه << عمل کن >> صرفاً است. فضای مجازی چنین است، به ما فرصت فکر کردن نمی‌دهد، تنها معین می‌کند که چه باید کرد. اما تا 50 سال پیش چیز دیگری بود که اگر نمی‌دانستی، نمی‌توانستی عمل کنی! مدرنیته چنین است >>... گفتار دکتر به مناسبتی به حاشیه کشیده می‌شود و ادامه نمی‌یابد، اما تا جایی که با دیدگاه‌های او آشنا هستم، ادامه اش می‌تواند چنین باشد که اکنون مدرن بودن، دیگر نیازمند دانستن و آگاهی به آن نیست و در روزگار ما همه ذیل مدرنیته فکر و عمل می‌کنیم، بدانیم و آگاه باشیم یا خیر! رضا داوری اردکانی را مثل هر فیلسوف و اندیشمند دیگری می‌توان دوست داشت یا نه، می‌توان با او هم نظر بود یا خیر، می‌توان درباره عملکرد سیاسی و اجتماعی اش هر دیدگاهی داشت و در سال‌های حضورش در شورای عالی انقلاب فرهنگی اظهارنظر کرد. نگارنده به عنوان یک نوآموز فلسفه، با اندیشه‌های فلسفی او هم نظر نیست. اما نمی‌تواند انکار کند که او اهل تفکر و ژرف اندیش است و هر موضوع روزمره‌ای را به دستمایه‌ای برای تأمل و تعمق تبدیل می‌کند، متفکری که پیرانه سر کماکان می‌خواند، می‌اندیشد، سخنرانی می‌کند، مصاحبه می‌کند و با مطبوعات و رسانه‌ها گفت‌وگو می‌کند